

پرسی جکسون و ایزدان المپ

کتاب دوم

دریای هیولاها

۵۳۷

ریک ریوردان

مترجم:

عباس زارعی



کتابهای
توت فرنگی

واحد کودک و نوجوان

انتشارات سایه گستر

www.sayegostar.com

بهترین دوستم لباس عروسی می‌فرد

کابوسم این طوری شروع شد. توی یک خیابان متروکه در یک شهر ساحلی کوچک ایستاده بودم. نیمه شب بود. طوفان سختی می‌وزید. باد و بوران نزدیک بود درختان نخل کنار پیاده‌رو را بشکند. به پنجره‌های ساختمان‌های زرد و صورتی کنار خیابان، تخته کوبیده بودند. کمی آن طرف‌تر، پشت بوته‌های گل ختمی، اقیانوس می‌خروشید.

فکر کردم اینجا باید فلوریدا^۱ باشد. نمی‌دانم از کجا این را می‌دانستم، چون قبلاً هرگز به فلوریدا نرفته بودم. بعد صدای سُم‌هایی را شنیدم که به کف پیاده‌رو می‌خورد. برگشتم و دوستم گروور^۲ را دیدم که داشت می‌دوید تا زندگی‌اش را نجات دهد.

بله، گفتم سُم!

گروور یک ساتیر^۳ است. از کمر به بالا درست مانند یک نوجوان

1. Florida

2. Grover

3. Satyr [موجودی افسانه‌ای که بالاتنه‌اش انسان و پایین‌تنه‌اش بز است.]